سید نظام الدین وحدت ۲۰۲۰/۰۴/۲۶

به مناسبت فاجعهٔ هفت و هشت ثور

تنها پیش قاضی نروید!
از تاریخ و اذهان عامه حقایق مخفی نگهداشته نمی شود!
وقتی اصرار بر این باشد که قاضی را به تنهایی دید، در واقع اصرار بر این است که از مواجهه با حقایق طفره رفت؟؟؟
اگر مدعا پاک و بی آلایش است، پس تشویش از رفتن به محکمه چیست؟!
پس از کودتای هفت ثور 1357 شمسی و بدنبال آن تجاوز نابخردانهٔ روسها به کشور عزیز ما، جنگ در افغانستان تعبیرات مشخص داشت. جنگ جنگی بود مشروع، برای دفاع از استقلال، تمایت ارضی و حاکمیت ملی که دوستان و حتی دشمنان ما به دلایلی از آن حمایت کردند که خانهٔ نیکوکاران آباد.
ولی در ثور 1371 شمسی (اپریل 1992) ناگهان چه قیامتی به پا شد که اهداف و عناوین باشکوه و مشعشع، یکباره به بهای ناچیز و مبتذلی معاوضه گشت؛ اهداف عالی و درجه اول جنگ و جهاد ملت افغانستان از میان برچیده شد و عناوین کوچک، بی ارزش، جاهلانه و در عصر ما مضحک و خنده آوری جای آن حقایق برازنده و بالیدنی را گرفت.
تقسیم کدام غنیمتی در کار بود که انسانیت و اهداف عالی آن فراموش گشت، دین بازیچهٔ دست یکعده قرار گرفت، ارزش مبارزه ملت به شمار هیچ آمد، مردمی که آزادی و اسلام او بهانه بود، صد تا، هزار تا و صدها هزار، مورد هجوم و قتال و تجاوز و تعدی قرار گرفت و به حدی تنزل داده شد تا هویتش را از دست داد و اصالتش به خرمهره بدل گشت؛ یکباره چوپان به گرگ مبدل شد و داغی بر پیشانی انسانیت زده شد، خرقه‌های مقدس و پر آوازهٔ آزادی طلبی به سرعت از تن رهبران به اصطلاح جهادی از شرم فرو افتاد و در عوض لباس شرمگین تن‌خواهی، من‌خواهی، خویش‌خواهی و قوم‌خواهی «سکتریزم» بر تن‌ها نمایان شد، گویی قدرت این رهبران از مبدأ دیگری غیر از دامن ملت بود که چنین با تحقیر و استهزأ از تن‌ها بدور گشت و این کتلهٔ شریف یعنی ملت افغانستان با همان توپ و تانکی که از خود این قربانی بود، یکبار دگر قربانی گردید.
امروز ملت ما با حسرت به سالهای از دست رفته و مصایب دوران جنگ و اشغال نگاه میکند. کجا رفت آن همه عظمت و افتخاری که ملت ما آرزو داشت بر اساس آیندهٔ درخشان و خواستنی برای خود و نسلهای بعدی سازد.
این ملت مظلوم وارث حقیقی عناوین بزرگی "صرف نظر از القاب درخشان کهن" در همین قرن بیستم است. در اوایل این قرن ملت افغان طریق نجات را بروی اسیران دست انگلیس گشود و در نهایت همین قرن، جبار دیگری را به زانو در آورد؛ ولی مزد این دو کارنامهٔ بزرگ را کدام دست ها و دسته ها چاپیدند که به خود این قربانی جز مجازاتهای عظیم نصیبی نرسید؟
ای کسانی که همچنان به این ملت پابرهنه ظلم میکنید و مست در غرور دوام سلطه و حاکمیت تان، همچنان تمام امکانات کشور و فرصت های مغتنم را در خدمت اهداف شوم خود گرفته اید، بدانید که این ملت که سالها در برابر تجاوز و تعدی بیگانگان با قامت نحیفش ایستاد، شما خواب دیده‌اید، ملت ما به این جهت ملت بزرگی شمرده می‌شود که همواره با همین ترکیب امروزی‌اش از همین حدود دفاع کرده است و آن را برای خود یکپارچه نگهداشته است. اقوام این سرزمین بدون تفاوت کشور خود را با افتخاراتش تا این منزل و مقام رسانیده اند.
در گذشته‌ها نیز بودند عظمت طلبان بی خبری که بسی کوشیدند تا این اقوام و فرهنگ های بهم دوختهٔشان را از هم جدا سازند، ولی به آرزوی‌شان نرسیده‌اند. در بارگاه بی‌مثال تاریخ کشور و ملت ما، اگر حملهٔ سکندر بود و یا هجوم چنگیز، اگر تجاوز انگلیس بود و یا دست درازی روسها، همین پشه‌ای‌ها، نورستانی‌ها، ترکمن‌ها، هزاره‌ها، ازبک‌ها، بلوچ‌ها، تاجک و پشتون‌ها و هموطنان سیک و هندوی ما اجنبی را از سرزمین‌شان راندند و این خانهٔ مشترک را حفظ کرده‌اند.
حتی در جریان تشرف مردم ما به دیانت اسلام در جنگهای که سالها با اعراب در گوشه گوشهٔ این سرزمین صورت گرفت، تمام اقوام این سرزمین در کنار هم ایستادند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

پس از مرگ نادر افشار، این ملیت زیر یک پرچم واحد قد برافراشت و افغانستان امروز به وسیلهٔ مردم این مرز بوم به قیادت احمد شاه بابا، موسس نامدار تشکیل گردید، میراث میراث همهٔ اقوام ساکن این سرزمین گردید.
اکنون اگر در آزمایش دیگری قرار گرفته، حلقات آتش افروز و نفاق افگن بهتر است به گذشتهٔ این ملت دقت کنند، ما را به همین ترکیب امروزی از آریانای تاریخی تا افغانستان امروز مطالعه کنند. این ملت حتی در زمان‌هایی که حکومات ملوک الطوایفی داشته است، اشتراک میان فرهنگ‌های‌شان باعث یکپارچگی و وحدت ملی آنها بوده و هست!
مردم ما از هر قوم، طائفه، مذهب، اندیشه و سطح زندگی، امروز هم به شاخص اساسی توجه و ایمان دارند. وحدت ملی، صلح و تمامیت ارضی، این سه شاخص را مخصوصاً در این مرحله بخاطری بیش از هر زمان در مد نظر دارند که چند روزی طعم تلخ شهد بیگانه را نیز چشیده‌اند؛ سپس آن را با نفرت بدور ریخته و به این حقیقت رسیده‌اند که یگانه چشمهٔ آب حیات‌شان یکپارچگی شان است. نسل های پی در پی ملت ما به ریش مغروران و شعبده بازانی خواهند خندید که وجود یکپارچهٔ این ملت را تردید کنند و چشم طمع بر جدایی و نفاق این ملت ببندند. این ملت چون لحاف قورمه‌ای از اقوامی دوخته شده است که یکی بر دیگری عزیزاند و یکی بر دیگر دلسوز بوده‌اند. این حرف من به تنهایی نیست، این صدای انعکاس چکاچاک حماسه‌های تاریخ است. چند هزار سال زندگی دوشادوش پدران و نیاکان ما و اینک فرزندان ما، مگر بازیچه و مسخرهٔ افراد و محافل بیگانه است که ما در دامن همین میهن داشته و داریم. افتخار، وقار و سربلندی را که ما طی قرون درکنار هم داشتیم، وای اگر چشم به عطایی غیر دوزیم و زیر سایهٔ مکر او را، خانهٔ خویش پنداریم! مگر راحت و رضایتی را که در همین خانه زیر یک پرچم واحد داریم در جای دیگری سراغ شده میتواند؟ هر که این اشتباه را مرتکب گردد و بخواهد بنام عضوی از اعضای این پیکر واحد قد برفرازد، در نهایت خود را در دره‌یی تنها خواهد یافت و در نهایت مزهٔ انتقام این ملت را خواهد چشید!

و من الله توفیق!**!**

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ